

الدراسات الفقية المقارنة

سنة الثاني، رقم الرابع، الخريف و الشتاء ١٤٠١ ش

10.22034/FIQH.2023.391035.1152

تحليل نصاب السرقة من منظور الفقه الشيعي والسني

محسن ملك افضلى اردكاني^١

سيد ميرآغا كاظمي^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٠٩/٠٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١٢/٢٤ هـ ش]

المستخلص

بسبب التقلبات في وزن الدرهم والدينار وقيمتها، فإن «نصاب الممتلكات المسروقة» التي هي من إحدى شروط عقوبة قطع اليد، صارت معركة آراء الفقهاء، بحيث نرى آثارها في سن القوانين غير المتجانسة في الدول الإسلامية. في هذا المقال، بطريقة تحليلية-وصفية وبطريقة المكتبة والمراجعة للمصادر الفقهية المعتمده، من منظور الفريقين الفقهيين المهمين-السني والإمامي-تمت إعادة قراءة «حد السرقة». وقد وصلت عملية مراجعة الآراء المطروحة إلى هذه النقطة أن من بين الفتاوى في الفقه الشيعي، لقولين خمس الدينار وربع الدينار أدلة موثقة، لكن الروايات والإجماع والشهرة وقاعدة الدرء تبرر أخذ القول بربع دينار. التشتت بين الفقهاء السنة أكثر من الشيعة، يتم تحليل هذه الآراء في فئتي «الحنفية» و«غير الحنفية» ولا يمكن الدفاع عن نظرية العشرة دراهم عند الحنفي بسبب الاستشهاد بضعف الروايات. وتعتبر نظرية ربع دينار أساس السرقة لتصريح الرواية وقاعدة إمكانية الجمع بين الآراء المختلفة.

كلمات المفتاحية: قطع اليد، الفقه الإسلامي، ربع الدينار، خمس الدينار، نصاب، درهم، دينار.

١. أستاذ الفقه والقانون، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران mohsen.malekafzaliardakan@miu.ac.ir
٢. طالب دكتوراه في القانون الجنائي وعلم الجريمة، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (المؤلف المسؤول)
miragha9512@gmail.com

بررسی حد نصاب سرقت از منظر فقه شیعه و اهل سنت

محسن ملک افضلی اردکانی^۱

سید میرآغا کاظمی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴]

چکیده

به دلیل نوسانات وزنی و ارزشی درهم و دینار، «حد نصاب مال مورد سرقت» که یکی از شرایط کیفر قطع دست است، معرکه آرای فقیهان قرار گرفته است، تا آنجا که آثار آن را در قانون نگاری‌های ناهمگون در کشورهای اسلامی می‌بینیم. در این نوشتار به شیوه تحلیلی - توصیفی و با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر فقهی، از منظر دو مشرب مهم فقه اهل سنت و شیعه امامی، «حد نصاب سرقت» بازخوانی شده است. فرایند بررسی نظرات مطرح شده به این برآیند رسیده است که از میان نظرات گوناگون در فقه شیعه دو نظر خمس دینار و ربع دینار ادله قابل استناد دارند که روایات، اجماع، شهرت و قاعده درء پذیرش ربع دینار را توجیه می‌کنند. تشتت در میان فقهای سنی بیشتر از شیعیان است. این نظرات ذیل دو دسته «حنفی‌ها» و «غیر حنفی‌ها» بررسی شده که نظریه ده درهم حنفی، به دلیل استناد به روایات ضعیف، غیر قابل دفاع است. نظریه ربع دینار به دلیل روایت صریح و قاعده امکان جمع میان نظرات مختلف، نصاب سرقت دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: قطع دست، قانون نگاری اسلامی، ربع دینار، خمس دینار، حد نصاب، درهم، دینار.

۱. استاد فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران mohsen.malekafzaliardakan@miu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)

miragha9512@gmail.com

درآمد

شارع آیین حیات بخش اسلام در مواجهه با نقض هنجارهای اجتماعی، از جمله سلب امنیت مالی شهروندان، اقدام‌های پیشگیرانه و پیگیرانه‌ای را در نظر گرفته است. از جمله راهکارهای پیگیرانه که تأثیر پیشگیرانه قابل توجهی نیز دارد وضع کیفر قطع دست برای ربودن مال غیر است، اما به دلیل حساسیت شدید شارع مقدس اسلام در برابر اعتبار، مال و خون انسان مسلمان (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۷/۱) اجرای آن را محدود به شرایط بسیاری کرده است. فقها و اندیشوران اسلامی، به خصوص خداوندگاران اندیشه فقهی، در بسیاری از این شرایط اتفاق نظر دارند و به ندرت شاهد آمیختگی نظرها و تشتت برداشت‌ها هستیم، اما اندازه مال ربوده شده یا وفق اصطلاح فقهی آن «حد نصاب» از شرایطی است که بیشترین رأی و نقض و ابرام در آن شکل گرفته است. این پراکندگی نظرات و دگرگونی اندیشه‌ها برگرفته از روایاتی است که از شخص نبی مکرم اسلام و اوصیای برحق آن حضرت - سلام الله علیهم اجمعین - از طریق شیعه و نبی مکرم اسلام و صحابه جلیل‌الشان آن حضرت از طریق اهل سنت رسیده است. اختلاف و تعدد نظر در این باره، هم در شیعه و هم در اهل سنت، باعث سردرگمی قانون‌گذاران اسلامی شده است؛ برای نمونه، قانون لیبی چهل درهم (الخطاف، ۲۰۰۹: ۱۶۰)، قانون سودان یک دینار (قانون جنایی سودان، ۱۹۹۱: ماده ۱۷۰) و قانون مجازات اسلامی ایران، کمینه چهارنیم نخود طلای مسکوک (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۶۸، بند چ) را حد نصاب قرار داده‌اند؛ قانون‌گذاران سوری، لبنانی و مصری اصلاً مقداری را مشخص نکرده‌اند (الخطاف، ۲۰۰۹: ۱۶۲-۱۶۳). پرواضح است که اختلاف برداشت فقها بی‌تأثیر در اختلاف قانون‌گذاران کشورهای اسلامی نبوده است؛ از این رو بررسی این مهم و نقد ادله استنادی فقها و استخراج نظریه درست گامی است بس بلند در هموارسازی مسیر قانون‌گذاری جامعه اسلامی. نگارنده این سطور پس از تبیین مفاهیم بنادین مرتبط با این عنوان، نقد و بررسی اندیشه‌های

فقیهان شیعه امامیه و شناخت اندیشه‌های صاحبان اندیشه سنی مذهب و قضاوت ارزشی آنها، درصدد است این مسیر را با مطالعه توصیفی-تحلیلی کتابخانه‌ای ببیند.

۱. مفاهیم

واژه دینار از کلمه دیناریوس (Denarius Aureus) یونانی است به معنای فلزی از جنس طلا (دایرة المعارف الاسلامیه، بی تا، ۳۶۹/۹-۳۷۰) مسکوک که با مثقال اندازه گرفته می شود (وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۱۲: ۲۷/۲۳). وزن دینار شرعی، که به تصریح بسیاری همواره ثابت بوده، یک مثقال شرعی و سه چهارم مثقال صیرفی معادل ۴/۲۶۵ گرم است. وزن دینار معادل یک و سه هفتم درهم و ارزشش معادل ده درهم بوده است (محمدتقی مجلسی، ۱۳۱۰: ۱۳۲). اولین سکه دینار در سال ۶۷۷ ق ضرب شده است (دایرة المعارف الاسلامیه، بی تا: ۳۷۰/۹).

درهم واژه‌ای یونانی است (جوالیقی، ۲۰۱۵: ذیل واژه درهم) که هنگام چیره شدن اسکندر بر ایران و در پایان سده چهارم پیش از میلاد رواج یافت (دهخدا، ۱۳۳۴: ۲۳/درهم). در اصطلاح شرع و فقه، وزن درهم کمتر از مثقال شرعی است، یعنی یک مثقال شرعی برابر است با یک درهم و سه هفتم درهم (مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۳۸۷: ۶۰۴/۳-۶۰۵). درهم رایج در سرزمین اسلامی تا دهه ۸۰ ق غیر اسلامی و به دست یکی از دو امپراتور روم یا ایران ضرب شده بود و از نظر وزنی، بر خلاف دینار، به شدت متغیر بود؛ از این رو عبدالملک مروان جهت ساماندهی به نظام پولی به تعریف و یکسان سازی مسکوکات اقدام کرد و اولین سکه در سال ۷۶ ق در دمشق ضرب شد (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۴۱۶/۴). اما با گذشت ایام و تغییر حکومت‌ها و اختلاف بلاد، درهم شرعی تغییرات زیادی به خود دید. این اختلافات به حدی بود که این جمله معروف شد: «یفتی فی کل بلد بوزنهم» (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۵۱-۴۵۴)؛ از این رو ناگزیر آن را با دینار می‌سنجیدند (قرضاوی، ۱۴۲۷: ۲۵۵).

۲. اقوال فقهای شیعه

با تتبع و تفحص در نوشته‌های فقهای قدیم و معاصر شیعه اقوال متعدد و گوناگونی درباره نصاب مسروق در حد سرقت را می‌یابیم. اقوالی که قائل دارند و به صورت یک نظر در نوشته‌های فقهی مطرح شده‌اند، در سه نظر خلاصه می‌شوند که در پی می‌آیند.

۱-۲. ربع دینار

با تفحص در منابع فقهی شیعه و بررسی اقوال و نظریات فقهای عظام در باب حد سرقت و ویژگی‌های مال مسروق، به این عبارت می‌رسیم: «و منها: أن يكون مقدار المسروق ربع دينار فصاعدا أو قيمة ذلك» (حلی، ۱۴۱۷: ۴۳۱؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۵۲۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۶۱/۴؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۵۹؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۱: ۵۹۰؛ ابن داوود حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۵۶/۵؛ حائری طباطبایی، ۱۴۰۹: ۳۷۷/۳؛ ۱۴۱۸: ۹۹/۱۶؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۸۲/۳؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۵۷۶/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۹۱/۱۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۳۶/۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۸۸/۱۰؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۷۵/۱۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۸/۲۸؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۷۵/۳؛ مشکینی، ۱۴۱۸: ۵۰۴؛ جزیری، ۱۴۱۹: ۲۳۷/۵؛ قمی روحانی، ۱۴۱۲: ۴۹۹/۲۵؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ۳۳۱-۳۳۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۹۷/۴۱). چنانکه مشاهده می‌شود، به جز اندکی از فقها، اغلب فقهای معظم شیعه، از قدما تا معاصران، ربع دینار مسکوک را حد نصاب سرقت دانسته‌اند. طرفداران این نظریه به ادله زیر استناد جسته‌اند.

۱-۲. روایات

یادآوری این نکته ضروری است که در مورد حد نصاب، روایات صحیح‌السند و متعارض وجود دارد که منشأ آمیختگی نظرات و تشتت برداشت‌ها شده است (تبریزی، ۱۴۱۷: ۳۲۹).

- صحیح‌ه محمد بن مسلم که از امام پرسید: «در چه مقدار دست سارق قطع می‌شود؟». فرمود: «فی ربع دینار» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۳/۲۸)؛
- صحیح‌ه عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که فرمود: «لا یقطع ید السارق الا فی شیء تبلیغ قیمتة مجنا و هو ربع دینار» (همان: ۲۴۳/۲۸)؛
- موثقه سماعة بن مهران از امام صادق (ع) که فرمود: «قطع أمير المؤمنین (ع) فی بیضة ... قیمت‌ه ربع دینار» (همان: ۲۴۴/۲۸)؛
- روایت علی بن ابی حمزه مضمونی مشابه موثقه سماعة دارد که از امام پرسید: «حد اقل مالی که دست سارق قطع می‌شود چه مقدار است؟». امام فرمود: «رُبُع دینار» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۱/۷)؛
- روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که در مورد سرقت شریک از شریک پرسید و امام (ع) فرمود: «وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ فَضْلًا بِقَدْرِ ثَمَنِ مَجْنٍ وَهُوَ رُبُعُ دِينَارٍ قُطِعَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۴/۴).
- چنانکه می‌بینیم تمام روایات فوق از نظر مفهومی روشن‌اند و ربع دینار را حد نصاب مال مسروق دانسته‌اند.

۲-۱-۲. اجماع

اجماع در اصطلاح عبارت است از توافقی که می‌تواند حکم شرعی معینی را اثبات کند (مظفر، بی تا: ۹۳/۲). این دلیل، علی‌رغم آنکه ارزش ذاتی ندارد، اکثر فقهای شیعه (قمی، بی تا: ۳۷۳) برای نصاب قرار دادن ربع دینار به آن استناد کرده‌اند. این فقها عبارت‌اند از صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۹۵/۴۱)، صاحب اسس الحدود و التعزیرات (تبریزی، ۱۴۱۷: ۳۲۸)، صاحب فقه الحدود و التعزیرات (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱۱۵/۳)، صاحب ریاض

بررسی حد نصاب سرقت از منظر فقه شیعه و اهل سنت / ۱۳

المسائل (حائری طباطبایی، ۱۴۰۹: ۹۹/۱۶) و صاحب السرقه علی ضوء القرآن والسنة (مرعشی نجفی، ۱۴۲۴: ۱۳۵).

۳-۱-۲. شهرت

پس از روایات و اجماع، شهرت سومین دلیل بسیاری از فقیهان پرآوازه شیعه برای ربع دینار است؛ از جمله شهید ثانی (۴۹۱/۱۴: ۱۴۱۳)، تبریزی (۳۲۸: ۱۴۱۷)، نجفی (۴۹۵/۴۱: ۱۴۰۴)، سید صادق روحانی (۴۹۷/۱۵: ۱۴۱۲)، موسوی اردبیلی (۱۱۶/۳: ۱۴۲۷)، اردبیلی (۲۳۳/۱۳: ۱۴۰۳)، فاضل هندی (۵۷۵/۱۰: ۱۴۱۶)، حائری طباطبایی (۹۹/۱۶: ۱۴۰۹)، مرعشی نجفی (۱۴۲۴: ۱۳۵) و فاضل لنکرانی (۵۲۴: ۱۴۲۲).

۲-۲. خمس دینار

برخی از فقیهان شیعه یک پنجم دینار را نصاب حد سرقت دانسته‌اند؛ از جمله حائری طباطبایی در کتاب شرح مختصر النافع (۳۷۷/۳: ۱۴۰۹). این قول را ابن جنید اسکافی نیز نقل کرده (۳۴۹: ۱۴۱۶) و به شیخ طوسی نیز نسبت داده شده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۸۹/۱۰). شیخ صدوق نیز خمس دینار را نصاب می‌دانست (مرعشی نجفی، ۱۴۲۴: ۱۳۲). از معاصران نیز می‌توان آقای خوبی را پذیرنده این دیدگاه دانست (خویی، ۱۴۲۲: ۳۵۸/۴۱). نیز به نظر می‌رسد آقای فاضل از این گروه باشد (لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۲۳-۵۲۴).

۱-۲-۲. دلیل نظر

نصاب دانستن خمس دینار برای حد سرقت از پشتوانه روایی بسیار قوی برخوردار است؛ از جمله روایت زراره از امام صادق (ع) که فرمود: «أَقَلُّ مَا يَقْطَعُ فِيهِ الرَّجُلُ خُمْسَ دِينَارٍ» (کلینی،

۱۴۰۷: ۲۲۱/۷) و صحیح‌ه محمد بن مسلم: «أَذْنَى مَا يَقْطَعُ فِيهِ يَدُ السَّارِقِ خُمْسُ دِينَارٍ» (همان) و نیز روایت ابی حمزه که از امام پرسید: «مقدار مالی که دست سارق قطع می‌شود چقدر است؟» فَجَمَعَ كَفَّيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «فِي عَدَدِهَا مِنَ الدَّرَاهِمِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۰۱). این روایت می‌تواند هم دلیل بر خمس دینار باشد و هم دلیل بر ربع دینار (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۰۱). این برداشت را می‌توان با روایت محمد بن مسلم تقویت کرد؛ زیرا از امام در مورد کسی که دو درهم سرقت کرده بود پرسید و امام فرمود: «فِي رُبْعِ دِينَارٍ بَلَغَ الدِّينَارُ مَا بَلَغَ». بخش اخیر روایت حلبی از امام صادق (يَقْطَعُ السَّارِقُ فِي كُلِّ شَيْءٍ بَلَغَ قِيَمَتُهُ خُمْسَ دِينَارٍ) که از نظر دلالت صریح و از نظر سندی صحیح است می‌تواند دلیل برای نظر خمس دینار باشد؛ از این رو سه روایت صحیح‌ه زراره، محمد بن مسلم و حلبی پشتوانه‌های روایی نظریه خمس دینار هستند.

۳-۲. دینار

برخی از فقهای شیعه دینار را نصاب دانسته‌اند؛ نظیر ابن ابی عقیل که آورده است: «و السارق عند آل الرسول (ع) يقطع في كل شيء سرق إذا بلغ قيمة ما يسرق دینارا فصاعدا» (عمانی، بی تا: ۱۶۸). پیدا است که ایشان یک دینار را نصاب حد سرقت دانسته است. با تتبع در کتب فقهی قدما و معاصران، جز ابن ابی عقیل کسی دیگر دینار را نصاب حد سرقت ندانسته است. این نظر علاوه بر روایات، از ادله‌ای نظیر قاعده درء و احتیاط نیز سود می‌برد که به ترتیب مطرح می‌شوند.

۱-۳-۲. روایات

با تفحص در گنجینه‌های حدیثی شیعه، تنها یک روایت را می‌توان یافت که مستمسک نظریه دینار کامل قرار گرفته است. در این صحیح‌ه، ابی حمزه ثمالی از امام (ع) پرسید: «فی

کم یقطع السارق؟» فجمع کفیه ثم قال: «فی عددها من الدرهم» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۵/۲۸). این تنها روایت معتبر از نظر سندی است که می‌تواند پشتوانه روایی این نظر باشد. این مضمون در روایت دیگری نیز نقل شده است: «قَالَ وَرُوی أَنَّهُ یَقْطَعُ فِی عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۸/۲۸)، اما چنانکه در منابع حدیثی ذکر شده، این روایت از نظر سندی قابل استناد نیست؛ زیرا نه راوی آن معلوم است و نه معصومی که روایت از او نقل شده است. از نظر دلالت نیز نمی‌توان به این دو حدیث استناد جست؛ زیرا چنانکه در ذیل تبیین مفاهیم دینار و درهم گفته شد، وزن درهم به شدت نوسان داشته و از شهری تا شهری دیگر و از زمانی تا زمانی دیگر شاهد تحولات وزنی بوده است و این تحولات وزنی در ارزش‌گذاری آن تأثیرگذار بوده است. از این رو نمی‌توان به این حدیث استناد کرد. شاهد بر این استدلال، برداشت بزرگانی نظیر شیخ طوسی است که از پذیرش این نوع احادیث سر باز زده و در توجیه آنها فرموده است: «بعید نیست که ده درهم معادل ربع دینار باشد. حتی اگر دلالت این روایت را نیز کامل بدانیم، به دلیل وجود احادیث معتبر دال بر نظریه ربع دینار، باز هم نمی‌توان آن را پذیرفت، بلکه حمل آن بر تقیه درست‌تر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۶/۲۸)؛ زیرا چنانکه در ذیل نظریات فقیهان اهل سنت اشاره شده، نظریه ده درهم مقبول علمای حنفی مذهب اهل سنت است که این، تقیه‌ای بودن این دست روایات را تقویت می‌کند. بنابراین نظر دینار کامل روایت قابل استدلالی ندارد.

۲-۳-۲. قاعده درء و احتیاط

قاعده درء از قواعد معروف فقهی مربوط به کیفرهای حدی اسلام است. این قاعده از قواعد پرکاربرد این باب است که می‌شود برای دینار کامل به آن استناد کرد. اگر قائل به تعارض روایات حد نصاب مال مسروق باشیم و نتوانیم با استفاده از راهکارهای باب

تعارض یک دسته را بر دیگری ترجیح بدهیم، طبق قاعده درء باید پذیرای نظر دینار کامل باشیم؛ چراکه در صورت نپذیرفتن روایات و ادله دیگر، باید به قاعده برگردیم و طبق قاعده، دینار کامل از همه پذیرفتنی تر است. همان طور که می دانیم شارع مقدس در مسئله خون و آبروی مسلمانان بسیار حساس است و در چنین مواردی، تردید هم پایه قطع و علم ارزش گذاری شده است (علامه حلی، بی تا: ۹۰۵/۲). قطع دست مسلمان نیز همین اهمیت را دارد که باعث می شود به دستگاه عدالت کیفری اجازه اقدام به آن را به سهولت ندهد. به این ترتیب در صورتی که امر بین قطع دست به ازای سرقت ربع دینار، ثلث دینار، خمس دینار و دینار کامل دایر باشد، تنها دینار کامل است که قطعیت برخوردار دارد و مشمول قاعده درء نمی شود، اما دیگر طرف ها در دایره قاعده درء قرار می گیرند و از اعتبار خارج می شوند (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۷۵/۳). بر اساس قاعده احتیاط، باید نظر دینار را بپذیریم؛ چراکه تنها در این صورت اطمینان به امثال دستور خداوند پیدا می کنیم و از شک و تردید دور می مانیم. از همین رو برخی از فقها برای قول به نظر دینار کامل به احتیاط استشهاد کرده است (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۷۶/۳).

۴. دلایل ترجیح قول ربع دینار

به نظر می رسد که با توجه به مبانی فقهی شیعه، نمی توان نظری غیر از ربع دینار را پذیرفت. این قول علاوه بر روایات اهل بیت (ع) و اجماع و شهرت، از پشتیبانی قاعده درء الحدود بالشبهات و موافق بودن با احتیاط (حائری طباطبایی، ۱۴۰۹: ۱۰۱/۱۶) نیز بهره مند است. برخی از فقها در ترجیح نظر خمس دینار بر ربع دینار فرموده اند که در تعارض میان روایات این دو دیدگاه، حق تقدم با روایات خمس دینار است؛ چراکه طبق آیه مبارکه (مائده: ۳۸)، مسروق کم باشد یا زیاد باید دست سارق قطع شود، اما از آنجا که از خارج می دانیم که در کمتر

از خمس دینار دست سارق قطع نمی‌شود، از اطلاق آیه شریفه به اندازه خمس دینار دست برمی‌داریم و چون بیشتر از خمس دینار، به دلیل تعارض، ثابت نشده است، باید روایات خمس را بر ربع مقدم کرد (خویی، ۱۴۲۲: ۴۱/۳۵۸). اما با مذاقه در ادبیات فقهی درخواستیم یافت که این استدلال درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا آیه شریفه در مقام بیان اصل حکم قطع دست سارق است و در چنین موردی نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد؛ دست کم محل تردید است (مرعشی نجفی، ۱۴۲۴: ۱۳۷). مضاف بر آن، برابر با مقبوله عمر بن حنظله (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۷)، موافقت با کتاب پس از شهرت ذکر شده است (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳/۷۳) که با وجود این، نوبت به ترجیح روایات خمس از طریق حمل روایات ربع بر تقیه نمی‌رسد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۲۲).

ممکن است پرسیدن این سؤال بجا باشد که چرا مشهور فقهای شیعه از روایات غیر ربع دینار اعراض کرده‌اند؛ مگر به وجود چنین روایاتی علم نداشتند؟ ممکن است به اصل علت اعراض پی نبریم، ولی دست کم مسلم است که مشهور بدون دلیل چنین اعراضی نکرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۸/۷۸) و این احتمال را نیز تقویت می‌کند که روایات خمس قضیه فی واقعه بوده (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۷۶) که طبق نظر امام (ع) در خمس دینار قطع شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳/۲۳۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۵/۴۹۰). معطوف به ادله فوق، فقط ادله نظریه ربع دینار از طوفان نقدها جان به در برده‌اند؛ از این رو از منظر راقم این سطور، نظر ربع دینار قابل پذیرش است.

۳. اقوال فقهای عامه

اقوال فقهای اهل سنت بسیار پراکنده است؛ به طوری که برخی از فقهای اهل سنت تا بیست قول را برشمرده‌اند، اما فقط دو قول دارای دلیل قابل استناد هستند.

۳-۱. ربع دینار

جمهور فقهای مالکی، شافعی، حنبلی و ابن حزم ظاهری ربع دینار را برای نصاب مال مسروق پذیرفته‌اند. فقهای مالکی معتقدند اگر مسروق طلا باشد، ربع دینار حد نصاب است و اگر نقره باشد، سه درهم و در غیر این صورت، قیمت سه درهم (الدسوقی، بی تا: ۳۳۳/۴؛ ابن رشد الحفید، ۱۴۲۵: ۲۳۰/۴؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۱۶۰/۶). علمای شافعی درست برعکس، معیار را ربع دینار خالص می‌دانند (الخطیب الشربینی، ۱۴۱۵: ۴۶۵/۵؛ النووی، بی تا: ۷۹/۲۰؛ الهیتمی، ۱۳۵۷: ۱۲۵/۹؛ البکری الدمیاطی، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۴-۱۷۹). به عقیده حنابله، نصاب سه درهم خالص یا ربع دینار یا معادل سه درهم یا ربع دینار است (البهوتی، بی تا: ۱۳۷۴-۱۳۲؛ همان، ۱۴۱۴: ۳۶۹/۳؛ ابن قدامة المقدسی، ۱۳۸۸: ۱۰۵/۹؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴: ۱۳۴/۱۰).

بر اساس آنچه گفته شد، به دست می‌آید که اگر مسروق ربع دینار یا سه درهم مساوی با ربع دینار باشد، همه قائل به قطع دست هستند، اما اگر مسروق سه درهم یا غیر آن باشد که مساوی با ربع دینار نباشد، محل اختلاف است؛ شافعیان قطع را جایز ندانسته‌اند، اما مالکیه و حنابله حکم به جواز داده‌اند. چنانکه اگر مسروق غیر از طلا و نقره باشد، اما معادل ربع دینار یا سه درهم ربع دینار نباشد، شافعیه و حنابله قائل به قطع شده‌اند ولی مالکیه قطع را جایز ندانسته‌اند. منشأ این اختلاف معیار ارزش‌گذاری است.

معیار ارزش‌گذاری طلا است یا نقره یا هر دو؟ مالکیه درهم را ملاک می‌دانند و به دو حدیث تمسک می‌جویند. حدیث اول از عبدالله بن عمر است که در آن سه درهم نقل شده (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۶۱/۸) و حدیث دیگر از عمره بنت عبدالرحمن است که یک دینار معادل دوازده درهم قیمت‌گذاری شده است (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۵۳/۸). چون در احادیث فوق مسروق به درهم ارزش‌گذاری شده، درهم ملاک تقویم است. اما شافعی با استدلال به حدیث مشهور نبوی منقول از عایشه (بخاری ۱۴۲۲: ۱۶۰/۸، ح ۶۲۹۱) که به ربع به دینار تصریح کرده، بر ارزش‌گذاری با دینار

پای می‌فشارد. از سوی دیگر، اختلاف شدید مردم در ارزش درهم مانع از ملاک قرار دادن آن بوده است. به همین دلیل، اصحاب پیامبر (ص) در مورد قیمت زرهی که پیامبر (ص) به خاطر آن دست قطع کرده، به شدت اختلاف کرده‌اند. برای نمونه ابن عمر آن را سه درهم گفته است، در حالی که ابن عباس ده درهم و انس پنج درهم (القرطبی، ۱۳۸۴: ۱۶۰/۶). درهمی که ثبات قیمت ندارد نمی‌تواند ملاک ارزش‌گذاری باشد، برخلاف دینار که به گواهی تاریخ، به اندازه درهم شاهد نوسانات ارزشی نبوده است (الخطابی، ۱۳۵۱: ۳۰۳/۳). همچنین ذیل حدیثی که مالکیه مستمسک ادعایشان برای معیار قرار دادن درهم قرار داده‌اند آمده است که «سه درهم معادل ربع دینار» (الخطابی، ۱۳۵۱: ۳۰۳/۳). دلیل دیگری که ثبات قیمت دینار را تأیید می‌کند روایتی است که معاذ بن جبل از پیامبر (ص) نقل کرده که زکات گاو را با دینار بیان می‌کند (الترمذی، ۱۳۹۵: ۱۷۲، ح ۶۲۳). حنابله با استناد به حدیث عایشه و ابن عمر، هر یک از نقدین را به صورت مستقل ملاک ارزش‌گذاری می‌دانند.

ادله مستحکم نظر شافعیه را تأیید می‌کنند؛ چراکه حدیث مورد استنادشان در ملاک دانستن تقویم صراحت دارد و حدیث مورد استدلال حنابله و مالکیه، که از ابن عمر نقل شده بود، فقط فعل پیامبر (ص) را حکایت می‌کرد و دلالت فعل، مبهم و غیر صریح و نیازمند مبین است (ابونور زهیر، بی تا: ۹۶/۳)؛ بنابراین استدلال به حدیث ابن عمر برای اثبات نصاب ضعیف دانسته شده است (ابن دقیق العید، ۱۴۲۶: ۴۴۷). از سوی دیگر، جمع میان نظرات فوق، طبق مذهب شافعیه ممکن است؛ چراکه حدیث ابن عمر و فعل عثمان با حدیث عایشه قابل جمع است. مؤید این استظهار مقدار دیه است که هزار دینار یا دوازده هزار درهم است (النووی، ۱۳۹۲: ۱۸۲/۱۱). علاوه بر ادله فوق، دلایل زیر نیز بر تساوی یک دینار و دوازده درهم تأکید می‌کنند: روایتی که ابن حنبل (۱۴۲۱: ۶۷/۴۱) و بیهقی (۱۴۲۴: ۴۴۴، ح ۱۷۱۶۴) نقل کرده‌اند و نیز روایتی که بیهقی از عایشه نقل کرده که گفت: «قیمت مجن ربع دینار است» و همین طور ابن عمر از پیامبر نقل کرده که «قَطَعَ

فِي مِجَنِّ قِيمَتُهُ ثَلَاثَةُ دَرَاهِمٍ». شافعی معتقد است که هر دو حدیث متفق علیه هستند و دلیل می آورد که «یک دینار در زمان پیامبر و بعد از آن معادل دوازده درهم بوده است» (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۴۷، ح ۱۷۱۷۲). عین همین مضمون را مالک در موطأ (۱۴۰۱: ۳۳۲/۲) و شافعی (۱۴۰۰: ۳۳۴) نقل کرده اند. بنابراین طبق نظر شافعیان، پیامبر (ص) و خلیفه سوم در سه درهم دست قطع کرده اند؛ چراکه قیمت مسروق معادل ربع دینار بوده است. برای این اساس، ربع دینار نصاب کامل است (النووی، ۱۳۹۲: ۱۱/۱۸۲) و با این نظر می شود بین احادیث ربع دینار و سه درهم جمع کرد. اما طبق مذهب مالکی و حنبلی باید دست از احادیث ربع دینار برداشت که با توجه به قوت سند و صراحت دلالتی که احادیث ربع دینار دارند، این امر بسیار دشوار است. بنابراین نظر شافعی سزاوار پذیرش است (ابن رشد الحفید، ۱۴۲۵: ۲۳۱/۴)؛ چراکه از ادله مستحکم و خدشه ناپذیر برخوردار است و اگر بتوان از سد ادله مذهب حنفی گذشت، نظر شافعیان تنها نظر قابل پذیرش خواهد بود؛ از این رو در ادامه ادله مذهب حنفی را از نظر می گذرانیم.

۲-۳. ده درهم

فقهای حنفی و شیعیان زیدی مذهب، که از نظر فقهی نزدیک به اهل سنت هستند، ده درهم را نصاب سرقت دانسته اند.

۱-۲-۳. ادله

عالمان حنفی به برخی از احادیث و نیز اجماع تمسک کرده اند. محمد بن اسحاق از ابن عباس نقل کرده است: «قطع رسول الله (ص)... قِيمَتُهُ دِينَارًا وَعَشْرَةَ دَرَاهِمٍ» (ابوداود، ۱۴۳۰: ۴۳۹/۶؛ النسائی، ۱۴۰۶: ۸/۸۲). روایت دیگر حدیث ایمن است: «لَمْ تُقَطَّعْ... إِلَّا فِي تَمَنِ الْمِجَنِّ وَتَمَنُهُ يَوْمَئِذٍ دِينَارٌ» (نسائی، ۱۴۰۶: ۸/۸۲، رقم ۴۹۴۶ و نسائی، ۱۴۰۶: ۸/۸۲).

۸ / ۸۲، رقم، ۴۹۴۷). همچنین حدیثی که دارقطنی نقل کرده است: «لَا يَقْطَعُ السَّارِقُ إِلَّا فِي عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ» (الدارقطنی، ۱۴۲۴: ۲۶۰/۴)؛ همو حدیثی دیگر را به همین مضمون از نبی مکرم اسلام نقل کرده است (همان: ۲۶۱/۴، ح ۳۴۳۲). مشابه همین احادیث را عبدالرازق از ابن جریج (الصنعانی، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۱۰، ح ۱۸۹۴۷)، نجیح (همان: ح ۱۸۹۴۸)، ابن جریج (همان: ح ۱۸۹۴۹)، ابن مسعود (همان: ح ۱۸۹۵۰) و ابن مسیب (همان: ح ۱۸۹۵۱) نقل می‌کند. در همه این احادیث، حد نصاب ده درهم یا دینار کامل ذکر شده است. همچنین از امام علی (ع) نقل شده است: «لَا مَهْرَ أَقَلِّ مِنْ عَشْرَةٍ، وَلَا قَطْعَ فِي أَقَلِّ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ» (السرخسی، ۱۴۱۴: ۱۳۷/۹). پیدا است که آن حضرت ده درهم را حد نصاب ذکر کرده است.

مضاف بر روایات فوق، صاحب کتاب بدائع الصنایع نظر ده درهم را مجمع علیه ذکر می‌کند با این استدلال که کمتر از ده درهم، به دلیل اختلاف روایات، مورد اختلاف انظار و تشتت برداشت است؛ بنابراین این نظر احتمالی است و قطع دست بر اساس احتمال جایز نیست (الکاسانی، ۱۴۰۶: ۷۷/۷).

اجماع آخرین تکیه‌گاه احناف است. ایشان معتقدند که نظریه ده درهم از اجماع علما بهره می‌برد و در میان صحابه بزرگ، نظیر امام علی (ع)، عمر، عثمان و عبدالله ابن مسعود از اقبال برخوردار است (همان).

بر اساس این ادله، نصاب حد سرقت ده درهم است.

۲-۲-۳. نقد ادله حنفیه

مشهور علمای اهل سنت، ادله حنفیان که بیشتر روایات اند، را نقد و بر آنها اشکال وارد کرده‌اند. در ادامه به صورت فشرده و در دو بحث اشکال سندی و دلالتی به آنها اشاره خواهیم کرد و در آخر نقد شبهه درء و اجماع را از نظر خواهیم گذرانند.

۳-۲-۱. اشکال سندی

برخی از بزرگان در نقدی کلی، تمام روایات ده درهم را ضعیف و خارج از اعتبار می‌دانند؛ از جمله نسائی در سنن حدود ده روایت با مضمون مشابه اما سند مختلف آورده و آنها را با عبارات «شاذ»، «منکر»، «ضعیف» یا «مسکوت عنها» توصیف کرده است (النسائی، ۱۴۰۶: ۸۲/۸-۸۳).

روایت عطا بن عباس که اولین دلیل روایی علمای حنفی بود، به دلیل وجود محمد بن اسحاق در سلسله آن پذیرفتنی نیست؛ چراکه حدیث شناسان او را مدلس می‌دانند (الشوکانی، ۱۴۱۳: ۱۵۰/۷). همچنین است حدیثی که عمرو بن شیبیه از جدش نقل کرده است (الخطاف، ۲۰۰۹: ۱۴۱). سند روایات ده درهم همچنین به دلیل وجود حجاج بن اریطه مخدوش‌اند. حجاج که شخصی ضعیف و مدلس است، در طریق بسیاری از این روایات وجود دارد (العسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳/۱۲). حتی یکی از بزرگان وقتی به احادیث ده درهم و دینار کامل می‌رسد، می‌نویسد: «اما احادیث ده درهم و دینار کامل که نقل شده، اصلاً چیزی از پیامبر در این مورد نقل نشده است و فقط به صورت موصول از عبدالله بن عمرو بن عاص نقل شده که آن هم درست نیست» (ابن حزم، بی‌تا، ۳۴۹/۱۲). همو کمی بعدتر می‌گوید که این روایات از عبدالله بن عباس و سعید بن مسیب و ایمن نیز نقل شده که آنها نیز موضوع و مکذوب‌اند (همان).

حدیث ایمن، چه صحابی باشد که در جنگ حنین کشته شد و چه حبشی غلام ابن زبیر، مرسل و منقطع است (الماوردی، ۱۴۱۹: ۲۷۲/۱۳) و چنانکه دارقطنی در سنن گفته، ایشان نه پیامبر را درک کرده است و نه زمان خلفا را (الدارقطنی، ۱۴۲۴: ۲۶۲/۴).

مهم‌ترین حدیث مورد استناد حنفیه از نظر دلالت، حدیث حجاج بن اریطه بود که نص در تحدید نصاب بود. دلالت این حدیث خدشه‌بردار نیست (العسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳/۱۲)، اما

در سندش مناقشه شده است؛ چراکه علاوه بر حجاج بن ارقطه، در اتصال سند آن شخصی به نام «نصر بن باب» وجود دارد که از نظر بسیاری شخصیت شناسان حدیثی ضعیف است (همان؛ الهیثمی، ۱۴۱۴: ۲۷۳/۶؛ ابن الجوزی، ۱۴۰۶: ۳۹۹/۳؛ الهیثمی، ۱۴۱۴: ۲۷۳/۶؛ ابن الجوزی، ۱۴۰۶: ۱۹۱/۱).

حدیثی که از امام علی (ع) نقل شده و در آن نصاب سرقت را تنظیم به مهر کرده نیز از نظر سندی قابل پذیرش نیست؛ چراکه از طریق اشخاص ضعیف نقل شده است، مثلاً در مورد این روایت آمده است که «هَذَا إِسْنَادٌ يَجْمَعُ مَجْهُولِينَ وَضَعَفَاءَ» (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۵۴/۸). مضاف بر این، روایات متعددی از شیعه و سنی از امام علی (ع) نقل شده که قطع را در ربع دینار ثابت می‌کنند (همان).

با توجه به آنچه گفته شد، سند روایات ده درهم با اشکال جدی مواجه است و بیشترشان ضعیف و شاذ هستند و نمی‌توان به این نوع احادیث استناد کرد.

۳-۲-۲. اشکال دلالی

این روایات، مضاف بر اشکال سندی، اشکال دلالی نیز دارند. برای نمونه ابن حجر عسقلانی معتقد است که برخی از این روایات به دلیل اضطراب دچار اشکال اند (العسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳/۱۲)؛ چراکه در یک نقل از طریق عمرو بن شعیب، ربع دینار آمده (همان: ۱۰۱/۱۲) و در نقلی دیگر، دینار (همان: ۱۰۳/۱۲). از سوی دیگر، محمد بن اسحاق که برخی از روایات ده درهم را نقل کرده، از ابی بکر بن محمد بن عمرو ربع دینار را نیز نقل کرده است (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۴۴/۸) که معارض حدیث مورد استدلال حنفیه است.

بنابراین احادیث مستند نظریه ده درهم نه از نظر سند و نه از نظر دلالت توانایی مقابله با نظریه ربع دینار را ندارند.

۳-۲-۳. نقد ادله دیگر

پس از رد احادیث، استناد به شبهه دره نیز راه به جایی نخواهد برد؛ چراکه با وجود احادیث صریح و صحیح ربع دینار، توجیهی برای این قاعده باقی نمی ماند.

استدلال به اجماع نیز زخم فقدان ادله حنفی ها را درمان نخواهد کرد؛ زیرا علمای شافعی قائل به ربع دینار بودند و با وجود این خیل کثیر از علما، صحبت از اجماع عجیب است.

آخرین دلیل از ادله حنفیه استناد به نظر اکثر صحابه بود که این نیز درست به نظر نمی رسد؛ چه بر فرض اینکه اکثریت را غیر از اجماع معنا کنیم، بسیاری از احادیث ربع دینار را همین اکثریت مورد ادعا نقل کرده اند، مثل امام علی (ع) و ابن مسعود که بیهقی این حدیث را نزدیک تر به صحیح می داند تا حدیث عشره دراهم (بیهقی، ۱۴۲۴: ۸/۴۵۴).

بر این اساس، ادله حنفیه خالی از مناقشه نیست؛ بنابراین در ارزش سنجی اقوال و انگاره های فوق، پذیرش نظریه شافعی از همه سهل تر و موافق با سنت نبی مکرم اسلام و صحابه جلیل القدر آن حضرت است. پسند اکثر صحابه و بزرگان، از جمله امام علی (ع)، عایشه، عمر بن عبدالعزیز، اوزاعی، لیث و ابی ثور و اسحاق (النووی، ۱۳۹۲: ۱۱، ۱۸۲) مؤید این ترجیح است. بنابراین ربع دینار، چه مساوی دو درهم باشد و چه مساوی چهار درهم، حد نصاب سرقت خواهد بود.

نتیجه

- قضاوت ارزشی میان مستندات نظرات فوق این نتیجه را به دست داد که هرچند دو نظریه ربع دینار و خمس دینار متکی به روایات صحیح‌السند و صریح‌الدلاله هستند، به دلایلی نظر ربع دینار پذیرفتنی‌تر است. این دلایل مضاف بر روایات اهل بیت (ع)، اجماع و شهرت، عبارت‌اند از قاعده درء الحدود بالشبهات و موافق بودن با احتیاط.
- با وجود اختلاف اندیشه در میان فقهای اهل سنت، در این نوشتار با کشف نقاط اشتراک و نادیده گرفتن گوشه‌های اختلافی، رویکردها ذیل دو عنوان ربع دینار و ده درهم جمع‌بندی شدند که در ارزش‌سنجی ادله استنادی، نظر ربع دینار از چند جهت پذیرفتنی‌تر بود؛ یکی روایاتی با سند معتبر و دلالت روشن بر نظر ربع دینار بود و دیگری امکان جمع نظرات با حمل دیگر نظرات بر نظر ربع دینار با توجه به اختلاف قیمت درهم.

کتاب نامه

- ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر.
- ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، الضعفاء والمتروکون، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حزم، أبو محمد علی (بی تا)، المحلی بالآثار، بیروت: دار الفکر.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن داوود حلی، حسن بن علی (۱۴۱۱ق)، الجوهرة فی نظم التبصرة، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن دقیق العید، محمد (۱۴۲۶ق)، إحکام الأحکام شرح عمدة الأحکام، مؤسسة الرسالة.
- ابن رشد الحفید، محمد (۱۴۲۵ق)، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، قاهر: دارالحدیث.
- ابن سعید حلی، یحیی (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم: مؤسسة سید الشهداء العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
- ابن قدامة المقدسی، عبدالله (۱۳۸۸ق)، المغنی، قاهره: مکتبه القاہرہ.
- ابن مفلح، شمس الدین محمد (۱۴۲۴ق)، الفروع وتصحيح الفروع، مؤسسة الرسالة.
- أبو داوود، سليمان بن الأشعث السجستاني (۱۴۱۴ق)، دقائق أولى النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات، بی جا: عالم الکتب، چاپ اول.
- أبو داوود، سليمان بن الأشعث السجستاني (۱۴۳۰ق)، سنن أبي داوود، بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- ابونور زهیر، محمد (بی تا)، اصول الفقه، مصر: المکتبة الازهریة للتراث.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: انتشارات اسلامی.
- اسکافی، ابن جنید محمد (۱۴۱۶ق)، مجموعة فتاوی ابن جنید، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار طوق النجاة، چاپ اول.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲ش)، الرجال، تهران.

- البکری الدمیاطی، عثمان بن محمد (۱۴۱۸ق)، إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، بی جا: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- بلاذری، احمد (۱۹۸۸م)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- بیهقی، أبوبکر أحمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۷ق)، أسس الحدود والتعزیرات، قم: دفتر مؤلف.
- الترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، سنن الترمذی، تحقیق احمد شاکر، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم.
- جزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)، بیروت: دار الثقلین.
- جوالیقی، موهوب بن احمد (۲۰۱۵م)، المعرب من الکلام علی حروف المعجم، مصر: خانه کتاب مصر.
- حائری طباطبایی، سید علی (۱۴۰۹ق)، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقة المؤمنین، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حائری طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷ق)، غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- الخطابی، حمد بن محمد (۱۳۵۱ق)، معالم السنن، حلب: المطبعة العلمیة.
- الخطیب الشریینی، شمس الدین (۱۴۱۵ق)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، معجم الرجال، بیروت: دار الزهراء.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، موسوعه، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- الدارقطنی، أبوالحسن علی بن عمر (۱۴۲۴ق)، سنن الدارقطنی، بیروت: مؤسسه الرساله.
- دایرة المعارف الاسلامیة (بی تا)، ترجمه عربی، بی جا:.
- الدسوقی، محمد بن أحمد (بی تا)، حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، بیروت: دار الفکر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: سیروس.

- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، قم: دفتر آیت الله، چاپ چهارم.
- السرخسی، محمد بن أحمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفة.
- الشافعی (۱۴۰۰ق)، مسند الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الشوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، نیل الاوطار، مصر: دارالحدیث.
- شهید ثانی، زین الدین عاملی (۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- شیخ صدوق، محمد (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات دوم، چاپ دوم.
- شیخ صدوق، محمد (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- الصنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳ق)، المصنف، هند: المجلس العلمی، چاپ دوم.
- طبرسی، امین الإسلام (۱۴۱۰ق)، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق)، رجال، نجف.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
- العسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (۱۳۷۸ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، المنتهی المطلب، بی جا: بی نا.
- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل (۱۴۰۶ق)، مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل، قم: چاپخانه اخلاص.
- فاضل آبی، حسن (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز، فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام والایهام عن قواعد الاحکام، قم: انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۲۷ق)، فقه الزکاة، دوحه، چاپ ۲۵.

- القرطبی، شمس‌الدین (۱۳۸۴ق)، تفسیر القرطبی، القاهرة: دارالکتب المصریة، چاپ دوم.
- الکاسانی، علاء‌الدین أبوبکر بن مسعود (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم.
- کشی، محمد (۱۳۴۸ش)، اختیار معرفه الرجال، مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
- کیدری، قطب‌الدین محمد (۱۴۱۶ق)، اصباح الشیعه بمصایح الشریعه، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم: دارالقرآن کریم.
- مالک بن انس (۱۴۰۶ق)، الموطأ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الماوردی، أبوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، الحاوی الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۱۰)، أوزان المقادیر، قم: کتابفروشی بصیرتی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، قم: مؤسسه المطبوعات، چاپ ششم.
- محقق داماد، سید مصطفی (بی تا)، «مباحثی از اصول فقه»، <https://osoolefeghh.blog.ir/post>.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۲۴ق)، السرقه علی ضوء القرآن والسنة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مسلم، بن حجاج قشیری (بی تا)، صحیح المسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشکینی، علی (۱۳۷۱)، اصطلاحات اصول، قم: هادی.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید، چاپ دوم.

٣٠ / مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال دوم، شماره چهارم

- مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع) (١٣٨٧ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
- مؤمن قمی، علی سبزواری (١٤٢١ق)، جامع الخلاف والوفاق، قم: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج).
- نجاشی، احمد بن علی (١٤٠٧ق)، رجال، قم.
- النووی، أبوزکریا یحیی بن شرف (١٣٩٢ق)، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- النووی، أبوزکریا یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع شرح المهدب، بیروت: دار الفکر.
- وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیه (١٤١٢ق)، الموسوعه الفقهیه، کویت، چاپ دوم.
- الهیثمی، ابن حجر أحمد (١٣٥٧ق)، تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- الهیثمی، علی بن أبی بکر (١٤١٤ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، القاهرة: مكتبة القدسی.